



ایلام

در گذر تاریخ

نور الدین نعمتی
کارشناس ارشد تاریخ

فلات ایران از جمله سرزمین‌های آسیایی است که به استناد کاوش‌های باستان‌شناختی، یکی از اولین طلیعه‌های جلوه حیات مدنی را در اقلیم پهناور خود به منصه‌ظهور رسانده است. تحقیقات و کشفیات علمی، حضور انسان را با شرایط فیزیکی و جسمی موجود لااقل از مرز یکصد هزار سال پیش، یعنی دوره پالئولیتیک میانه یا عصر حجر قدیم، در این سرزمین تایید می‌کند. نجد ایران از کرانه‌های خلیج فارس تا سواحل مرطوب دریای خزر، دارای شرایط اکولوژیک با اختلاف حدود ۴۰ درجه دما در یک زمان واحد می‌باشد. غرب ایران با چین خوردگی‌های سلسله جبال زاگرس و دره‌ها با شیب ملایم و شیارهای موازی، فلات مرکزی ایران را از جلگه‌های رسوبی بین‌النهرین در غرب مجزا می‌نماید و در عین حال رابطه‌ای ثابت و ناقل متحرکی برای تبادل و تعامل ارزشهای فرهنگی و انسانهای نخستین و جوامع مجاور بوده و عمدتاً این نقش تاریخی زمانی که در دامنه‌های ملایم‌ش استوار و یکجانشینی را به مردمانش داده است بیش از هر زمانی رسوب تمدن‌های کهن را در خود جای داده و آثار ارزشمندی را در قالب ظواهر فرهنگ مادی در تپه‌ها و محوطه‌های باستانی برجای گذارده است. وجود آثار نخستین در این مناطق زمانی مفهوم عینی پیدا می‌کند که انسان با نمونه‌های بی‌شماری از پدیده‌های فرهنگی و ابزارهای مادی این دوران در مراحل غارنشینی و عصر شکار مواجه می‌شود. دره‌های کهن غرب ایران و سینه‌کش‌های پر رمز و راز کوهپایه‌های منشعب از زاگرس سفلی، در محدوده استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و ایلام کنونی را مجموعاً به نواحی تاریخی لر بزرگ و لر کوچک از قرن چهارم هجری قمری به بعد تقسیم می‌کردند. وجود کوه‌های نظیر کبیرکوه (Kabirkuh)، و سیاه کوه (Siah kuh)، زردکوه (Zardkuh) و نظائر آن و رودخانه‌های دائمی و پراآبی چون سیمره (Saymareh)، کرخه (KARKHE)، دز (Dez)، گنگیر (gangir)، دویرج

(Ducyrej) و صدها رود پرآب و کوتاه دیگر، همراه با داشتن منابع عظیم کانی و گیاهی و چشمه‌سارها و شیب‌های ملایم، در دامنه‌های طبیعی و تغییرات زمین‌شناختی در این اقلیم، غارهایی را ایجاد نموده که مسلماً مأمون مناسبی برای پناه انسانهای نخستین بوده است.

با کشف اولین آثار از کاسی‌ها که به ایجاد کنندگان تمدن مفرغی لرستان معروف شده‌اند، این منطقه (ایلام کنونی) مورد توجه و کاوش بسیاری از باستان‌شناسان، دانشمندان و مورخان قرار گرفته است. باستان‌شناسان و مردم‌شناسانی چون هول (Hole)، هنری‌رایت (Henry writh) و اندنبرگ از کشور بلژیک به کاوش‌ها و مطالعاتی در نواحی مختلف سرزمین پشتکوه چون دهران، چغاسفید (coqasefid)، فرخ‌آباد (Farux abad)، بان سرمه (Bansarmah)، چوار (Covar)، پای کل (Pay kal)، ایوان و دیگر مناطق پشتکوه دست زده‌اند.^۱ آثاری که در نتیجه این کاوش‌ها به دست آمده است عبارتند از آثاری مربوط به انسان موسترین (Musterian) مانند ابزارآلات سنگی و استخوانی که وسایل ابتدایی شکار بوده است.^۲ جلگه‌های آبرفتی و سرزمین‌های مناسب و دشت‌های حاصلخیز، به نوبه خود استعداد شکل‌گیری و توسعه رو به رشد را در غرب کشور بیش از مناطق شرقی که به لحاظ وضعیت طبیعی فاقد چنین شرایطی می‌باشد، داراست. مردم این بخش از سرزمین ایران در امکان یک جانشینی و تشکیل دهکده‌ها و آشنایی با امر کشاورزی و تولید کشت آبی غلات و پرورش حیوانات و اهلی نمودن آنها، نظیر بز و گوسفند و اسب و گاو که هر کدام به نوبه خود در روند حیات انسانی و پیشرفت فیزیکی و فنی جوامع اولیه و ورود به دورانهای بعدی، نظیر نظام شهری نقش موثری داشته‌اند. وجود آب و خاک مناسب و موقعیت استراتژیک منطقه باعث ظهور تمدن‌های کهن در اعصار مختلف تاریخ شده است. آثار به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه ایلام توسط باستان‌شناسانی نظیر مادام دیوافولا، جورج کامرون

به سومر حمله کرد و آنها را شکست داد و قریب به ۶۰۰ سال سومر جزء ایلام بود. ۵ همسایه دیگر ایلام بابل بود که در زمان حکومت حمورابی (۲۱۲۳ - ۲۰۸۵ پیش از میلاد) که مدت حکومت وی ۴۳ سال طول کشید ایلام به تصرف بابل درآمد، او با گسترش قلمروش از شام تا ایلام با قانون نامه بزرگ تاریخی خویش نظم را در آن سرزمین برقرار ساخت. ۶ در زمان جانشینان حمورابی ایلامیها دوباره قدرتمند شدند و یکی از معروفترین پادشاهان ایلام به نام شوتروک ناخوتته موفق به تصرف بابل گردید و تمام اشیاء تاریخی بابل را به شوش برد. از جمله اشیاء نفیس یکی ستل نرامسین و دیگری رب النوع بابلیها، مردوک بود و سی سال بعد، در زمان سلطنت بختالنصر مردوک دوباره به بابل بازگردانده شد. ۷

رابطه ایلام با دولت آشور (۷۴۵ تا ۶۴۵ پیش از میلاد) غالباً خصمانه بود و علل آن را بایستی در عوامل متعددی جستجو کرد، یکی از مهمترین این عوامل وضع اقتصادی است زیرا در هزاره اول پیش از میلاد استفاده عمومی از آهن به عنوان یک فلز در جنگ و کشاورزی و وضع کشت و کار به کلی تغییر داد. آشور که مصرف کننده مهمی از نظر وسایل نظامی و کشاورزی بود، معدن سنگ آهن نداشت و از طرف دیگر سنگ آهن در مناطقی یافت می شد که دسترسی آشوریان به آنجا ممکن نبود. یکی سواحل جنوبی دریای سیاه که تحت حکومت قدرتمند «اوراتو» بود و آشوریان جرأت حمله به آن مناطق را نداشتند و دیگری فلات ایران بود که علاوه بر وجود معادن فراوان سنگ آهن، دشت های حاصلخیز و اسب های چابکی داشتند که اسبان آنها سخت مورد نیاز سپاهیان آشور در جنگ بود. به موجب این عوامل ایلام همیشه در معرض تاخت و تاز آشوریان قرار می گرفت. ۸ در زمان سارگون دوم، دولت آشور که قدرتمند شده بود پیشروی خود را به داخل فلات ایران ادامه داد و پادشاه ایلام هومبان نیکش (Homban nikes) برای مقابله با آشوریان با مصر و بابل متعهد شد. سارگون برای مقابله با

و پروفیسور والترهینتس، نقش منطقه پشتکوه را در تکوین و شکل گیری تمدن و امپراتوری ایلام و پیوند آن با دشتهای حاصلخیز خوزستان تأیید می کند. مشخص شده است که انسان اولیه، پس از سپری نمودن دوران کوه نشینی به سوی دامنه های کبیرکوه و دشتهای حاصلخیز خوزستان فرود آمده ۹ و با استقرار در نواحی جنوبی کوهستانهای پشتکوه و زاگرس و نواحی گرم و مناطق حاصلخیز اطراف رودخانه های جنوب غربی ایران توانسته است تمدن بشری را پایه گذاری کند. زاگرس در طول تاریخ ضمن اینکه پناهگاه امنی برای ساکنانش بوده است. ارتباط و آمیزش فرهنگی ساکنان خود با بیرون از خویش را محدود کرده است و این شاید یکی از علل اساسی کمبود اسناد و مدارک مدون در باره سرگذشت اقوام ساکن در زاگرس باشد، کشفیات باستان شناختی نشان می دهد، اقوام کاسی، گوتی و ایلامی در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در این نواحی ساکن شده اند که به تدریج ایلامیها در هزاره سوم پیش از میلاد بر مناطق وسیعی که شامل خوزستان، لرستان پشتکوه، پشتکوه، کوههای بختیاری، بوشهر و کرانه های خلیج فارس استیلا یافتند. زبان مردم ایلام انزانی و خط آنها میخی بود که شکل خط از سومریها اقتباس کرده اند و دین آنها بر پایه پرستش خدایان گوناگون شکل گرفته بود. ۴

ایلامیان دولت بزرگی را تشکیل دادند و مورخان آن را به سه دوره جداگانه تقسیم کرده اند. ۱ - دوره ای که تاریخ ایلام ارتباط کامل با تاریخ سومر و آکد دارد. (از زمانهای قدیم تا ۲۲۲۵ پیش از میلاد).

۲ - دوره ای که تاریخ ایلام با تاریخ دولت بابل مربوط می شود. (۲۲۶۵ تا ۷۴۵ پیش از میلاد)

۳ - دوره ای که آشور جدید رقیبی برای ایلام محسوب می شود. (۷۴۵ تا ۶۴۵ پیش از میلاد)

رابطه ایلام با سومر چندان روشن نیست، ولی در زمان ان ناتوم پاتسی «Patesi»، شهر لاگاش ایلام جزء قلمرو سومریان بود ولی رفتار خشن او باعث شورش ایلامیان شد. کودور ناخوندی، پادشاه ایلام

اتحاد خطرناکی که آشوریان ترتیب داده بودند تدبیری اندیشید: نخست به مصر حمله کرد، متحدین نتوانستند مصریان را کمک نمایند در نتیجه سارگون در رافیا مصریان را شکست داد و پس از این واقعه به ایلام حمله نمود ولی آشوریان از این جنگ هیچ نتیجه‌ای نگرفتند. ۹ بعد از سارگون دوم، پسرش سناخریب (۷۰۵-۶۸۲ پیش از میلاد) به سلطنت رسید در این زمان در ایلام شورش رخ داد؛ مردم علیه پادشاه خود به پا خاستند و او را در قصر خود محاصره کرده و به قتل رسانیدند. پادشاه آشور از این فرصت استفاده کرد و از طرف جنوب و سواحل خلیج فارس وارد قلمرو ایلام گردید و سی و چهار قلعه و برج را تصرف و خراب کرد و عده زیادی را نیز به اسارت گرفت. ۱۰ ایلامیان در این موقع کودور ناخوته را به پادشاهی برگزیدند. ولی وی در مقابل حملات آشوریان نتوانست کاری انجام بدهد. ایلامیان به داخل کوهستانها فرار کردند و به علت فرا رسیدن فصل زمستان و سرمای سخت این مناطق نتوانستند آنها را تعقیب نمایند. ایلامیان چون از تعقیب آشوریان در امان ماندند پادشاه خود کودور ناخوته را که نتوانسته بود در مقابل دشمن کاری انجام دهد از سلطنت خلع کردند و او را کشتند و در این زمان هویان اومینه (۶۹۲-۶۸۸ پیش از میلاد) جانشین کودور ناخوته شد و بار دیگر جنگی خونین در جلولا درگرفت و کمی بعد از آن سناخریب سرزمین بابل را گرفت. ایلامیان دوباره به کوهستانها گریختند ولی او (سناخریب) به میل خود پادشاهان ایلام را عزل و نصب می‌کرد. ۱۱

در زمان پادشاهی آشور بنی پال مملکت به اوج عظمت و قدرت خود رسید. او که از نتیجه جنگ با ایلام ناراضی بود و از اوضاع داخلی آن کشور آگاهی کامل داشت به سرزمین ایلام حمله کرد و مردم آن دیار را قتل و عام نمود، و شهر آنها را به تاراج داد. پیرنیا در این باره نوشته است: آشور بنی پال پادشاه ایلام (تام ماری تو) را به عرابه سلطنتی بست و عرابه سلطنتی را تا معبد آشور کشید. آشور بنی پال

در کتیبه خود چنین می‌گوید: خاک شهر شوشان و شهر ماداکتو و شهرهای دیگر را تماماً به آشور کشیدم و در مدت یک ماه و یک روز کشور ایلام را به تمام عرض جاروب کردم، من این مملکت را از عبور حشم و گوسفند و نیز از نغمات موسیقی بی نصیب نمودم و به درندگان و مارها و جانوران کویر و غزال اجازه دادم که آن را فراگیرند. ۱۲

با سقوط دولت ایلام به دست آشور بنی پال، بخش کوهستانی دولت ایلام همچنان در دست حکومت ایلام باقی ماند و با ورود آریاییها به فلات ایران و تشکیل حکومت توسط مادها به تدریج تمام مناطق غرب از جمله سرزمین ایلام سابق به تصرف آنها درآمد. محدوده قلمرو دولت ماد شامل آذربایجان، کردستان، همدان، منطقه دریاچه حوض سلطان دریاچه نمک منطقه رودخانه قره‌سو، ناحیه شمال دشت کویر، اصفهان، کرمانشاه، ایلام و لرستان بود ۱۳ و در تقسیم‌بندی و ساتراپها، سرزمین ایلام کنونی جزء ساتراپ هشتم بود. ۱۴ با تأسیس حکومت هخامنشی در ۵۵۰ پیش از میلاد توسط کوروش دوم سرزمین ایلام به تصرف هخامنشیان درآمد و شهر شوش پایتخت زمستانی آنها گردید. در تحولات داخلی دولت هخامنشی و به قدرت رسیدن داریوش اول ایلامها اولین ولایتی بودند که علیه وی قیام کردند رهبر شورشیان شخصی بود به نام آترنیا (Aternia) که از خانواده‌های سلطنتی قدیم ایلام بود. چون مردم زیادی از وی حمایت نکردند در مقابل نیروهایی که داریوش برای سرکوب وی اعزام کرده بود تاب مقاومت نیاورد؛ شکست خورد و اسیر گردید و داریوش شخصاً او را از بین برد. ۱۵ داریوش اول برای تثبیت حکومتش در نظام مالکیت تغییرات اساسی به وجود آورد و قسمتی از بهترین مناطق حاصلخیز ملل تحت حکومت را برای خانواده سلطنتی تصاحب کرد. ایلام و مصر جزء این مناطق بودند ایلام در زمان داریوش اقتدر اهمیت داشت که وی در کتیبه بیستون از این منطقه به عنوان یکی از بیست و سه ایالت تابعه یاد می‌کند. وی حتی کتیبه خود را به خط ایلامی می‌نویسد در زمان جانشینان

و بر اساس تقسیمات جدید کشوری منطقه ایلام جزء سرزمین پهل (یا پهلوی)، استان بزرگی که اعراب بعد از فتح ایران آن را جبال می‌گفتند،^{۱۸} قرار گرفت. در زمان حکومت ساسانیان این منطقه به علت حاصلخیزی و نزدیکی به جلگه بین‌النهرین، جمعیتش رو به افزایش نهاد، شهرسازی و شهرنشینی در این منطقه رونق یافت و شهرهایی مانند ماسبذان، شیروان، سیمره، مهرگان‌قذق، دهستانها و ده‌های بزرگ و کوچکی مانند الرذ و رودبار در این ناحیه تأسیس شد. در منابع تاریخی تا زمان حکومت خسرو اول راجع به منطقه ایلام سخنی به میان نیامده است. با به قدرت رسیدن خسرو انوشیروان تغییرات مهمی در جغرافیای سیاسی و اداری کشور پدید آورد. او شغل سپهسالاری سپاه را که قبل از وی مرسوم بود لغو کرد و به جای او سپهبدانی تعیین نمود که فرماندهی نظامی چهار بخش کشور را بر اساس چهار جهت اصلی عهده‌دار بودند. طبق اظهارات یعقوبی:

«طبرستان، ری، قزوین، زنجان، قم، اصفهان، همدان، نهاوند، دینور، حلوان، ماسبذان، مهرجانقذق، شهر زور، صانعان و آذربایجان را سپهبدی بود به نام سپهبد آذربایجان».^{۱۹}

در زمان خسرو پرویز یکی از سرداران وی به نام بهرام چوبینه که دست به شورش علیه وی زده بود، توانست بر نواحی ماسبذان و مهرجانقذق دست یابد و به علت موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه مدت زیادی توانست بر این ولایت حکم براند و حملات خسرو پرویز را دفع نماید.

هنوز قلعه و پل بهرام چوبینه یکی از آثار مهم بر جای مانده از دوره ساسانیان در این منطقه پا بر جاست.^{۲۰}

با وجود این شهرها و قلعه‌های این منطقه با اوضاع و احوال اقلیمی و موقعیت بسیار حساس سیاسی و نظامی برای سلاطین ساسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. در زمان حکومت یزدگرد سوم مناطق ایلام، لرستان، و خوزستان توسط یکی از حکام هفتگانه پارسی، به نام هرمزان که از طرف

داریوش تا زمان حمله اسکندر مقدونی مردم ایلام علیه شاهان هخامنشی هیچ‌گونه قیام و شورش نکردند. در سال ۳۳۰ پیش از میلاد در زمان سلطنت داریوش سوم، اسکندر مقدونی از راه اربیل و بابل به ایران حمله کرد و سپاه ایران در بابل تسلیم گردید و پس از مدتی او به شوش حمله کرد و ایلام را به تصرف خود درآورد آنگاه برای تصرف تمامی ایران از شوش راهی اکباتان شد. راولینسون در این مورد می‌گوید:

«جاده‌ای که دیودوروس در مورد لشکرکشی اسکندر از شوش به اکباتان به تفصیل از آن سخن رانده است از ماسابایش در نواحی جبال زاگرس به طرف شوش می‌رود سپاه‌یانی که او از شوش به کرمانشاه حرکت می‌داد می‌بایست از منطقه ماسبذان که کوتاه‌تر و هموارتر است عبور نماید».^{۱۶}

در زمان حکومت سلوکیان ایلام از ایالات مهم بوده و در زمان حکومت آنتیوخوس چهارم ولایت ایلام از حوزه فرمانروایی سلوکیان بیرون آمد و استقلال یافت و با تأسیس حکومت اشکانیان ایلام همواره از استقلال داخلی برخوردار بوده است. می‌توان گفت یکی از بزرگترین مشکلات اشکانیان برای حکومت بر ایران، وجود حکومت‌های مستقلی چون، پارس، آذربایجان، ارمنستان و ایلام بوده است. این ایالت‌ها به حکومت اشکانیان فقط مالیات می‌دادند و حاضر به قبول اطاعت از آنها نبودند؛ در نتیجه اشکانیان تعدادی از آن حکومتها را مغلوب کردند و بقیه ایالت‌ها که از استقلال داخلی برخوردار بودند دو وظیفه داشتند: یکی پادشاه اشکانی را محترم شمارند و دیگر در هنگام جنگ او را یاری دهند.^{۱۷} البته پادشاه پارت در مسائل شهرهایی که استقلال داخلی داشتند با دقت و علاقه آشکار و نهان، مراقبت و نظارت می‌کرد که جریان کارها به نفع پادشاه اشکانی پایان یابد. اردشیر با کمک بزرگان متحد خود، حکومت خانواده‌های متحد اشکانیان را در هم شکست و سلسله ساسانی را تأسیس کرد. ویژگی مهم این حکومت جدید، تمرکز سیاسی و وحدت دینی بود

پی‌نویس‌ها:

* این مقاله برگرفته از پایان نامه نگارنده است که مورد حمایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام قرار گرفته است.

۱ - مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره یک، وزارت فرهنگ و هنر، سال ۱۳۴۴، صص ۸۰-۸۶.

۲ - مجله باستان‌شناسی و هنر، سال ۱۳۴۶ صص ۱۰۶.

۳ - مجله بررسی‌های تاریخی، لرستان پشتکوه و پشتکوه، بهمن کریمی شماره ۱۲ سال ۱۳۴۷ صص ۲۷.

۴ - گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام ترجمه محمد معین چاپ دهم، تهران انتشارات امیرکبیر، صص ۱۴.

۵ - آمیه، پیر، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۹ صص ۲-۶.

۶ - مشکور، محمدجواد، ایلام در عهد باستان، نشر امیرکبیر تهران، ۱۳۴۷ صص ۱۱۶-۱۲۰.

۷ - مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱ صص ۲۰.

۸ - پیرونی، حسن، تاریخ ایران باستان، چاپ هفتم، انتشارات خیام، سال ۱۳۷۲ ج ۱ صص ۵۴.

۹ - مجیدزاده، پیشین صص ۲۹.

۱۰ - پیرونی، پیشین صص ۳۵-۴۰.

۱۱ - آمیه، پیر، پیشین صص ۷-۱۰.

۱۲ - پیرونی، پیشین صص ۴۱.

۱۳ - جمعی از نویسندگان، اطلس تاریخی ایران، چاپ دانشگاه، تهران ۱۳۵۳ صص ۳۰.

۱۴ - دیاکونف، ام، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، نشر علمی فرهنگی، ۱۳۷۲ صص ۳۱۸.

۱۵ - پتروشفسکی، تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورز صص ۷۹.

۱۶ - راولینسون، سرهنری، سفرنامه، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، چاپ اول، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲ صص ۴۵-۴۷.

۱۷ - زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ صص ۳۵۱.

۱۸ - بنی‌احمد، راهنمایی تاریخ شاهنشاهی ایران صص ۴۱.

۱۹ - احمد بن بلاذری، تاریخ یعقوبی ترجمه محمد ابراهیم آیتی چاپ دوم تهران نشر علمی فرهنگی ۱۳۶۶ ج ۲ صص ۲۱۸.

۲۰ - ایزدپناه، حمید، جغرافیای تاریخی لرستان، انتشارات آگاه، ۱۳۷۵ ج ۱ صص ۴۷۶.

منابع و مآخذ

۱ - آمیه، پیر، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ه. ش.

۲ - احمد بن بلاذری، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ دوم، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶ ه. ش.

۳ - ایزدپناه، حمید، جغرافیای تاریخی لرستان، ۳ جلد، چاپ دوم، موسسه مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ه. ش.

۴ - بنی‌احمد، احمد، راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران، انتشارات، بی‌نا، تهران ۱۳۵۲ ه. ش.

۵ - پتروشفسکی، تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورز، انتشارات، بی‌نا، تهران، ۱۳۴۲ ه. ش.

۶ - پیرونی، حسن، تاریخ ایران باستان، ۳ جلد، چاپ هفتم، انتشارات خیام، تهران، ۲۳۶۵ ه. ش.

۷ - جمعی از نویسندگان، اطلس تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ه. ش.

۸ - دیاکونف، ام، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، انتشارات، نشر پیام، تهران ۱۳۵۷ ه. ش.

۹ - راولینسون، سرهنری، گذری از ذهاب تا خوزستان، «سفرنامه»، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، چاپ اول، نشر آگاه، ۱۳۶۲.

۱۰ - زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.

۱۱ - طاهری، نصرالله، جغرافیای تاریخی ایلام پشتکوه، مجله زمین و زمان - شماره ۱۶ سال نهم فروردین ۱۳۵۰.

۱۲ - گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ دهم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲.

۱۳ - مجله باستان‌شناسی و هنر شماره ۲، نشر وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۶.

۱۴ - مجله باستان‌شناسی و هنر شماره یک، نشر وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۴.

۱۵ - مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ اول، انتشارات نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.